

مقدمه

نیازهای مادی^(۱) و کسب فضایل اخلاقی و کمالات معنوی است،^(۲) به صحنه نمایش جذابیت‌های جنسی و میدان تاخت و تاز امیال و شهوات تبدیل می‌شود و این آثار مخرب و زیان‌باری در پی خواهد داشت.

حضور بی‌ضابطه زن در حوزه عمومی، نه تنها موفقیتی برای وی به ارمغان نخواهد آورد، بلکه کرامت انسانی و شخصیت واقعی او را نیز از بین خواهد برد و زن را طعمه دام صیادان شهوت‌پرست کرده، او را از قله بلند عزت و کرامت، به پرتگاه ذلت شهوت ساقط خواهد کرد. چنین زنی نه تنها نخواهد توانست در بعد مادی، همگام با مردان به تلاش و فعالیت اجتماعی بپردازد و از نیروی خود در طریق پیشرفت جامعه استفاده کند، بلکه تا حد فراوانی، خنثاکنده توان مادی و نیروی فکری مردان نیز خواهد شد. تجربه زنان غربی بهترین شاهد بر این ادعاست. انواع مشکلات و معضلات اجتماعی همچون تجاوز و آزارهای جنسی، فرار دختران از خانه، بارداری‌هایی ناخواسته، سست شدن بنیان خانواده و از بین رفتن آن، سقط جنین، قتل و خودکشی و خودسوزی همه از پیامدهای سوء آزادی بی‌قید و شرط فرهنگ نوین غربی است. بنابراین، برای حضور سالم و مفید زن در اجتماع و تأمین

درباره حضور زن در اجتماع، پرسش‌هایی می‌تواند مطرح باشد؛ از جمله اینکه زن چگونه و به چه کیفیتی در عرصه عمومی ظاهر شود؟ و دیگر اینکه تعامل و برخورد او با دیگران چگونه باید باشد؟ مقاله حاضر تنها محور «کیفیت حضور زن در اجتماع» را بررسی کرده و در جست‌وجوی پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. اسلام برای حضور زن در عرصه عمومی چه تدبیری اندیشیده است؟

۲. آیا زن و مرد در این جهت مساوی‌اند یا برای حضور زن، شروط ویژه‌ای وجود دارد؟

۳. در صورت وجود شروط ویژه، این شروط کدام است؟ اما در آغاز توجه به چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. وجود گزینه جنسی و جذابیت هر یک از مرد و زن برای یکدیگر، صلابت و قدرت جسمی برتر مرد و لطافت و ضعف جسمانی زن و علاقه بیشتر وی به تبرج و خودنمایی در مقایسه با مرد، از اموری است که نمی‌توان انکار کرد. با توجه به این ویژگی‌ها، اگر زن بدون ضابطه، به هر شکل و قیافه‌ای در عرصه عمومی و در محل کار و اداره حاضر شود و خود را در برابر دیدگان مردان به نمایش بگذارد، جامعه‌ای که محل کار و تلاش اقتصادی و تأمین

زن

و کیفیت حضور او در اجتماع

از منظر قرآن

اصطلاحی است



امنیت وی در محل کار و دانش، و برقراری جامعه‌ای سالم، که تأمین‌کننده سعادتمندی انسان باشد، باید برای حضور اجتماعی زن، برنامه و مقرراتی پیش‌بینی شود تا از زن حمایت کرده، سلامت معنوی وی را تضمین و حقوق مادی او را تأمین کند.

اسلام با در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنوی زن و با در نظر گرفتن تأثیر اعمال و رفتار وی در سعادت ابدی او و دیگران، مقرراتی را برای حضور زن در اجتماع وضع کرده است. این مقررات علاوه بر حمایت از زنان در بعد مادی و بهینه‌سازی روابط اجتماعی آنان، حافظ منافع معنوی و کرامت انسانی زن نیز هست. بی‌توجهی به این دسته از مقررات، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای زنان و جامعه انسانی به دنبال خواهد داشت.

۲. مقررات ضروری برای حمایت از حضور زنان در جامعه و در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دو دسته است: نخست قوانینی که در بعد مادی از زن حمایت می‌کند؛ مثل تعیین میزان ساعات کار، میزان ساعات مرخصی، مرخصی زایمان، ویژگی‌های محل کار، نوع کار و تعیین زمان بازنشستگی. معمولاً مقرراتی که در کشورهای غربی به هدف حمایت از زنان وضع می‌شود از این دسته است. فمینیست‌ها و کسانی که سنگ حمایت از زنان را به سینه زده و خواستار رسیدگی به وضعیت زنان و بهینه‌سازی آن هستند، فقط به همین بعد از زندگی زن توجه کرده و به دنبال وضع مقرراتی هستند که رفاه بهتر و لذت دنیوی بیشتری برای زنان به دنبال داشته باشد.

دوم مقرراتی که علاوه بر بعد مادی، بعد معنوی و سعادت ابدی زن را نیز لحاظ کرده و از شخصیت و هویت واقعی زن حمایت می‌کند؛ مانند مقررات مربوط به اطاعت زن از شوهر، ولایت پدر بر دختر، تعیین پوشش برای حضور در اجتماع، آداب راه رفتن زن، چگونگی ارتباط با مردان نامحرم، و حمایت از حضور زن در عرصه اجتماعی و صحنه‌های کار و تلاش اقتصادی. وضع مقرراتی از قسم اول گرچه لازم است، ولی کافی نیست.

اخلاق، معنویت و سعادت ابدی، مهم‌ترین بعد زندگی زن است که مورد غفلت قانون‌گذاران واقع شده. بر خلاف مقررات نوع اول، که انسان‌ها به طور طبیعی در اندیشه وضع آن هستند و مدافعان حقوق زن از آن سخن می‌رانند و در محافل قانونی، به تصویب می‌رسانند، قوانین دسته دوم، خواه به سبب جهل و نادانی یا به اغراض و اهداف دیگر، مورد بی‌توجهی و بی‌مهری سازمان‌های بین‌المللی و مدافعان حقوق زن واقع شده است، بلکه دنیای مادی‌گرایی غرب با این‌گونه قوانین موجود در کشورهای اسلامی، مخالفت می‌ورزد و حتی برخی از آنها مثل استفاده از پوشش را ممنوع می‌کند.^(۳) اکنون با توجه به نکاتی که بیان شد، برخی از شرایطی را که قرآن در خصوص کیفیت حضور زن در اجتماع بیان کرده است برمی‌رسیم.

۱. پوشش

اندام انسان بر خلاف سایر حیوانات، از پوششی طبیعی که او را از سرما و گرما حفظ کند، خالی است. از سوی دیگر، بشر به طور فطری، از برهنگی رنج می‌برد و خوش ندارد بدن، یا دست‌کم برخی از اندامش در معرض دید دیگران باشد. همچنین انسان به زیبایی و آراستگی ظاهری اهمیت می‌دهد و تلاش می‌کند تا حد امکان، با ظاهری آراسته در برابر دیدگان دیگران ظاهر شود. بنابراین، انسان از جهات گوناگون، نیازمند چیزی است که هم او را از آسیب سرما و آزار گرما حفظ کند، هم از برهنگی نجات دهد و هم میل به زیبایی و آراستگی او را تأمین کند. لباس پاسخی مناسب به همه این نیازهاست. بدین‌روی، قرآن شریف لباس را به عنوان چیزی معرفی کرده است که انسان را از سرما و گرما محافظت می‌کند و زشتی‌های انسان را می‌پوشاند.^(۴) از این‌رو، نیاز به پوشش، یک نیاز طبیعی برای انسان، اعم از زن و مرد است و استفاده از آن تا حدی فطری و طبیعی است و زن و مرد در این زمینه، تفاوتی ندارند. بدین‌روی، مشاهده می‌کنیم که زن و مرد صرف‌نظر از اینکه متدین به دینی باشند، به طور طبیعی، بدن خود را از نگاه دیگران می‌پوشانند، اگرچه مقدار پوشش و کیفیت آن، طبق آداب و رسوم و فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است.

شریعت اسلام برای پوشش انسان‌ها مقرراتی قرار داده که بیشتر آنها میان زن و مرد مشترک است. مرد برای حضور در محل کار، باید بدن خود را بپوشاند. لزوم پوشاندن از گردن به پایین در حوزه عمومی، به جنس خاصی اختصاصی ندارد.^(۵) این مقدار از پوشش تقریباً میان زن و مرد مشترک است. در نتیجه، پوشش ویژه زن نبوده و اسلام نیز آن را مختص زن ندانسته است. مرد نیز موظف به پوشش است. بنابراین، تفاوت زن و مرد در مقدار پوشش است، نه در اصل آن. آنچه زن را از مرد در امر پوشش جدا می‌کند آن است که زن علاوه بر پوشاندن مقدار مشترک، باید موضعی از بدن را بپوشاند که بر مرد واجب نیست. در اینجا، توجه به پوشش خاص زن که در آیات و روایات بیان شده، محل بحث و نظر است:

۱- ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ (نور: ۳۱)؛ و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که ظاهر است - آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).

«زینت» در جمله ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ از ریشه «زین» به معنای دلپسند و زیبا، در مقابل کلمه «شین» به معنای زشت است. همچنین به اشیا یا که انسان خود را با آن می‌آراید و تزیین می‌کند، «زینت» گفته می‌شود.^(۶) بنابراین، واژه

«زینت»، هم به زیورآلاتی که از بدن جداست - مانند طلا و جواهر آلات - و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است همچون سرمه و خضاب گفته می‌شود. این واژه در لسان روایات، به محاسن و زیبایی‌های غیراکتسابی، که با آفرینش انسان همراه است، مثل موی سر، صورت، بازو و ذراع نیز اطلاق شده است.

فضیل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا ذراع از زینتی است که خدا فرموده است زنان آن را ظاهر نکنند؟ فرمود: بلی و آنچه زیر مقنعه و دستبند قرار می‌گیرد زینت است. (۷)

مسعد بن زیاد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم در جواب این سؤال که زن چه زینت‌هایی را می‌تواند ظاهر کند، فرمود: وجه و کفین. (۸)

امام صادق علیه السلام به مردان فرمودند: ناخن‌های خود را کوتاه کنید، و به زن‌ها گفتند: (ناخن‌ها را) رها کنید؛ زیرا آن (رها کردن) برای شما زیباتر است. (۹)

آشکار کند. آیه شریفه با این استثنا، زینت‌های ظاهر را از حکم قبلی، که نهی از اظهار بود، خارج کرد. در نتیجه، زن نسبت به پوشاندن زینت‌هایی که خود به خود ظاهر است، وظیفه‌ای ندارد اما زینت‌های مخفی مشمول نهی ﴿لَا يُبْدِينَ﴾ بوده و پوشاندن آنها بر زن واجب است. (در ادامه، از استثنای دوم بحث خواهد شد.

زینت‌های آشکار

مقصود از زینت‌های آشکار، که از وجوب پوشاندن استثنا گردید. چیست؟ امام صادق علیه السلام در جواب زراره، که از این استثنا سؤال کرد، فرمودند: زینت ظاهر، سرمه و انگشتر است. همچنین در روایت دیگری به ابوبصیر فرمودند: انگشتر و انگو است.

در روایت دیگر آمده است: شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مرد چه موضعی از اندام زن نامحرم را می‌تواند ببیند؟ فرمودند: صورت و دست و پا. (۱۳)



بنابراین، می‌توان گفت: سرمه و انگشتر هم، که در دو روایت اول آمده بود، اشاره به مواضع آنها دارد که در دست و صورت است؛ زیرا زینت ظاهر بودن خود انگشتر و انگو معنایی ندارد. خود اینها نه ظاهرند و نه باطن، بلکه محل اینهاست که یا ظاهر است یا مخفی، که همان دست و صورت است. بنابراین، می‌توان گفت: از روایات استفاده می‌شود: مقصود از زینت ظاهری که در این آیه از لزوم پوشش استثنا شده، وجه و کفین است. (۱۴)

پس از جمله ﴿وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ محدوده پوشش زن به دست می‌آید و معلوم می‌شود: زن موظف است در عرصه عمومی و در محل کار، تمام اندام خود را بجز وجه و کفین از مردان نامحرم بپوشاند. اما وجه و کفین لازم نیست؛ چون در بسیاری از موارد، پوشش آنها برای زن حرجی است یا نوع کار، قابل جمع نیست. زنی که برای تأمین نیازهای خود، باید در اداره، کارخانه و کارگاه کار کند، نمی‌تواند دست و صورت خود را بپوشاند و مشغول کار شود. زنی که مسئولیت اجتماعی دارد، با مردم سر و کار دارد و می‌خواهد کار آنان را انجام دهد، نمی‌تواند همه بدن خود، حتی دست و صورتش را بپوشاند. زنی که در مزرعه و باغ کار می‌کند باید دست و صورتش باز باشد. بنابراین، وجه و کفین که در میان زنان به طور معمول ظاهر است، از حکم پوشش استثنا شده است.

در روایت است که موی زن از زیبایی‌های زن است و شایسته است مرد در هنگام ازدواج، از آن سراغ بگیرد. (۱۰)

در این روایات به ذراع، وجه، کفین، ناخن و موی سر، «زینت» اطلاق شده است که معلوم می‌شود همه آنها از مصادیق زینتند. همچنین در روایات به بازو، گردن، محل خلخال و حتی به تمام بدن زن زینت اطلاق شده است (۱۱) بنابراین، در فرهنگ دینی، همه بدن زن از سر تا قدم زینت است. (۱۲) این را می‌توان صغری قیاس قرار داد. از سوی دیگر، آیه شریفه به طور مطلق، زنان را از اظهار زینت نهی کرده است که این هم کبرای قیاس را تشکیل می‌دهد. نتیجه حاصل از این قیاس آن است که زن حق ندارد هیچ عضوی از بدن خود را برای نامحرم آشکار کند.

استثناهای پوشش

سپس برای این حکم کلی، که نهی از اظهار زینت است، دو استثنا ذکر کرده: در استثنای اول، می‌فرماید: ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾؛ یعنی جز زینت‌هایی که آشکار است. از این استثنا به دست می‌آید که زینت‌های زن دو نوع است: زینتی که به طور طبیعی آشکار است و زینتی که مخفی است، مگر آنکه زن با اراده و اختیار خود آن را

ملازمة پوشش و نگاه

توجه به این نکته ضروری می‌نماید که استثنای آیه وظیفه زن را در ارتباط با عدم لزوم پوشش برخی از مواضع بیان می‌کند و از این‌رو، زن نسبت به پوشاندن این مواضع وظیفه‌ای ندارد، اما این امر لزوماً به معنای جواز نگاه مرد به آن مواضع نیست؛ زیرا بین حکم عدم وجوب پوشش برخی از اعضا بر زن یا مرد با جواز نگاه طرف مقابل به آن، ملازمه‌ای نیست. دستور پوشش برای زنان و نهی از نگاه برای زنان و مردان در آیات قرآن، جداگانه و مستقل مطرح شده است. (۱۵) بنابراین، صرف عدم وجوب پوشاندن دست و صورت بر زنان، دلیلی بر جواز نگاه مرد نیست و دلیل دیگری می‌طلبید که در کتاب‌های فقهی از آن بحث شده است. (۱۶)

پوشش؛ وظیفه‌ای اجتماعی

جمله «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» (زینت‌های خود را جز برای شوهران آشکار نکنند) استثنای دومی است بر دستور پوشش زنان. در این استثناء، کسانی ذکر شده‌اند که لازم نیست زن خود را از آنان بیپوشاند. از استثناء در این قسمت آیه، فهمیده می‌شود که پوشش زن برای زمانی است که از قلمرو خصوصی فراتر رود. پوشش وظیفه زن برای حضور در بیرون از خانه و ظهور در برابر مردان نامحرم است. بنابراین، زن در فرصت‌هایی که در خانه و در میان محارم خود است، وظیفه پوشش - دست‌کم، به شکلی که در برابر نامحرمان موظف به رعایت آن بود - ندارد؛ زیرا محارم نیز از نهی‌ای که در آیه آمده، استثناء شده‌اند.

کیفیت پوشش اسلامی

«وَلْيَضْرِبْنَ خُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» «خُمُر» جمع «خمار»، به معنای مقنعه، روسری و پارچه‌ای است که زن با آن، سر خود را می‌پوشاند. (۱۷) «جیوب» جمع «جیب» به معنای گریبان و یقه، قسمت بالای لباس است، (۱۸) در برابر دامن که به قسمت پایین لباس گفته می‌شود؛ اما مراد از آن، محلی یقه و اطراف آن یعنی گردن، گلو و سینه است. (۱۹) زنان مسلمان پیش از نزول آیات پوشش، به حکم عادت معمول آن زمان، روسری را از پشت گوش‌ها رد می‌کردند و اطراف آن را به پشت خود می‌انداختند. (۲۰) در نتیجه، فقط موی سرشان پوشیده می‌شد و بخش‌های زیادی از زیبایی‌های آنها مثل گوش‌ها، گوشواره‌ها، چهره، گردن و گریبان نمایان بود. خداوند تعالی با فرو فرستادن این آیه، کیفیت صحیح پوشش زنان را بیان کرد و به آنان فرمود: باید دو طرف روسری را از جانب راست و چپ به جلو آوردند و به طور معکوس بر گریبان بزنند. این‌گونه پوشاندن موجب می‌شود همه سر و گردن و زیبایی‌های آن پوشیده و فقط چهره باز بماند. (۲۱) در نتیجه، این آیه به طور صریح، پوشش سر و گردن را به عنوان یک حکم اختصاصی بر زن

واجب می‌کند.

شاید سبب این پوشش اختصاصی آن باشد که سر و گردن و گریبان مهم‌ترین محل زیبایی‌های زن است؛ زیرا هم محل محاسن طبیعی زن - مثل صورت و موی سر - است و هم موضع قرار دادن انواع زینت‌های منفصل؛ از قبیل گوشواره، سینه ریز و گردنبند. از این‌رو، آیه روی این قسمت، که پوشش آن ویژه زن است، تکیه کرده و زن را موظف ساخته که بخصوص سر و گردن و گریبان و دستان را به هنگام خروج از خانه بیپوشاند - البته بجز مقداری که استثنا شده است.

۲. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب: ۵۹)؛ ای پیغمبر! به همسران و دختران و به زنان با ایمان بگو که جلباب‌ها (روسری‌ها)ی خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای آنکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند نزدیک‌تر است و خدا آمرزنده و مهربان است.

«جلباب» در لغت، به معنای جامه گشاد، کوچک‌تر از ملحفه یا جامه‌ای مثل ملحفه (چادر مانند) است یا همان خمار و مقنعه است. (۲۲) «ادناء» از ریشه «دنو» به معنای قرب و نزدیکی است. فعل «دنین» با حرف «علی» به کار رفته که علاوه بر معنای اصلی خود، معنای گستردگی و پهن شدن نیز در آن تضمین شده است. (۲۳) در نتیجه، جمله «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» به معنای در بر کردن جامه وسیع و گشاد و بر خود گستراندن آن است. بنابراین، معنای آیه شریف این است که زنان جلباب بر خود بگسترانند، به گونه‌ای که سر و گردن و سینه، یا سر و سینه و تمام جوانب آنان را فراگیرد. (۲۴)

این آیه نیز وجوب پوشش تمام بدن را برای همه زنان بیان کرده است؛ زیرا مخاطبان آیه همه زنانند.

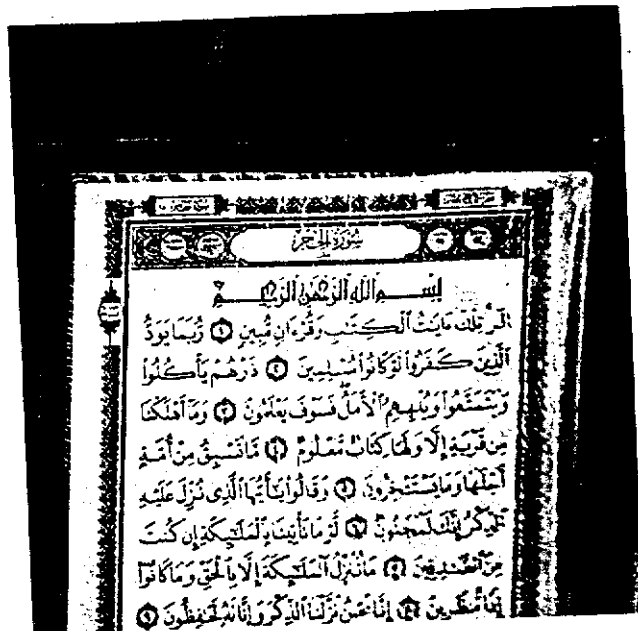
پوشش؛ مرز زندگی خصوصی و عمومی

جمله «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» بیانگر حکمت حکم، و مضمونش این است که پوشش، معرفت زن است و لازمه این معرفی و نتیجه مثبت آن به امنیت رسیدن زن و سلب آزار دیگران از اوست. از تأخیر «فَلَا يُؤْذَيْنَ» بر «يُعْرَفْنَ» معلوم می‌شود که حجاب در جهت خاصی زن را معرفی می‌کند؛ در جهتی که اگر نباشد، زن مورد آزار دیگران واقع می‌شود و امنیتش به خطر می‌افتد. از این‌رو، مفسران این شناخت را دو گونه معنا کرده‌اند: یکی شناخته شدن به پاک‌دامنی که این معنا مناسبت‌تر به نظر می‌رسد؛ (۲۵) و دوم شناخته شدن به اینکه آزاد است، نه کنیز. (۲۶) این معرفی - به هر کدام از دو معنای یاد شده که باشد - مربوط به اجتماع و عرصه عمومی است، نه مربوط به خانه. زن در خانواده

خود، از هر دو جهت شناخته شده است و به معرفی خود به وسیلهٔ حجاب نیازی ندارد. علاوه بر این، اثر رفع آزار به وسیلهٔ حجاب داشتن نیز مربوط به بیرون خانه است. حجاب در خانه نه معرفت زن است و نه می‌تواند زن را از آزارهای خانگی مصون بدارد. شأن نزول (۲۷) آیه نیز مؤید اجتماعی بودن حکم حجاب و شرط آن برای حضور زن در اجتماعات است. بنابراین، آیاتی که وجوب پوشش را برای زنان بیان می‌کنند در حقیقت، مرز زندگی خصوصی زن را از زندگی عمومی وی جدا می‌سازند. این آیات بیان می‌کنند که زن در زندگی عمومی و در اجتماعات، باید به گونه‌ای حاضر شود که با حضورش در زندگی خصوصی و در میان محارم خود، متفاوت باشد.

پوشش؛ حمایت از حضور اجتماعی زن

اسلام نه تنها زن را در حصار خانه محدود و زندانی نکرد، بلکه با آوردن قانون پوشش برای زن، در صدد تأمین امنیت وی در دو بعد مادی و معنوی برآمد. قانون پوشش، هم دلیل بر جواز مشارکت زن در اجتماع است و هم نشانهٔ حمایت اسلام از دین و دنیای زن.



جمله «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» که در پایان آیه «حجاب» آمده، نقش حمایتی پوشش را در بعد مادی بیان کرده است. زنان بدون پوشش یا با پوشش نامناسب، معمولاً در جامعه مورد انواع آزارهای لمسی، دیداری و شنیداری مردان ضعیف‌الایمان قرار می‌گیرند. در صدر اسلام نیز برخی از جوانان و افراد بیمار دل بر سر راهها و کوچه‌ها می‌نشستند و وقتی زنان برای نماز جماعت یا کارهای دیگر از خانه خارج می‌شدند، به گونه‌های مختلف آنان را آزار می‌دادند. (۲۸) آیه شریفه «ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذِنَنَّ» به این امر اشاره کرده و فرموده است: این کار

۸۰

(پوشش) برای اینکه (زنان با حجاب) شناخته شوند و مورد آذی قرار نگیرند، نزدیک تر است.

پوشش پیام پاکدامنی و تقواست؛ پیام حیا و عفت است. نتیجه، زنی که با پوشش از منزل خارج می‌شود، این پیام را به مردان نامحرم و به مخاطبان خود منتقل می‌کند و مردان نیز گرفتن این پیام، از وی حریم می‌گیرند. نه زن، مردان را به سو خود می‌خواند و نه مردان به وی نزدیک می‌شوند و بدین سان، کمتر مورد آزار دیگران واقع می‌شود.

بدحجابی و بی‌حجابی حامل خلاف این پیام به دیگران است. بی‌حجاب نگاه‌ها را به سوی خود فرامی‌خواند. بی‌حجاب خود را معرض انواع نگاه‌های آلوده قرار می‌دهد و به طور طبیعی، باید دنبال آن، آزارهای جنسی و فیزیکی آنان را نیز تحمل کند.

در برخی دیگر از آیات، به نقش حمایت معنوی پوشش اشاره شده است. در سورهٔ احزاب، آیهٔ ۵۳ می‌خوانیم: ﴿وَ إِذَا سَأَلْتَهُمْ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) از آنها (همسران پیامبر) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار دل‌های شما و آنها را پاک‌تر می‌دارد. جمله «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» در مقام بیان فلسفه مصلحت این دستور است. (۲۹) «اطهر» صفت تفضیل به معنای پاک‌تر و پاکیزه‌تر، و «قلوب» جمع «قلب» و مقصود از آن نفس روان است، و جمع آمدن آن در آیه، به اعتبار مخاطبان است. معنای آیه این است: آن رفتار (درخواست چیزی از زنان پیامبر از پشت پرده) دل‌های شما و زنان پیامبر را از میل به و فجور و وساوس شیطانی پاک‌تر نگاه می‌دارد (۳۰) زیرا نگاه زن و مرد به یکدیگر، مواجههٔ مستقیم داشتن با همدیگر، در تحریک میل جنسی بسیار نقش دارد. اگر این ارتباط از پشت پرده باشد زمینهٔ تحریک میل جنسی و افکار و وساوس شیطانی در دل از بین می‌رود و دل از آلودگی به برخی از وسوسه‌ها پاک‌تر باقی می‌ماند. این آیه گرچه دربارهٔ زنان پیامبر است، اما فلسفه‌ای که برای این دستور بیان شده، عمومیت دارد. از این رو، در آیات دیگر، این معنا به تعبیر دیگر، برای مردان و زنان مؤمن بیان شده است.

در سورهٔ نور نیز به مردان فرموده است: ﴿قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكُمْ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ﴾ (نور: ۳۰)؛ به مؤمنان بگو، چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند. این برای آنها پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

«ازکی» از ریشهٔ «زکو» به معنای نماء و طهارت، و مقصود از آن در آیه، طهارت باطنی و قلبی است. «ازکی» افعال وصفی به معنای مبالغه در طهارت و پاکی یا افعال تفضیل به معنای پاکیزه‌تر

است. (۳۱) «ذلک» اشاره به غَض بصر و حفظ فرج (۳۲) و این بخش از آیه که در مقام بیان فلسفه حکم مذکور است. (۳۳) فلسفه غَض بصر و حفظ فرج طهارت باطنی و دوری از وساوس شیطانی دانسته شده است. (۳۴) بنابراین، دستور مزبور به خاطر حمایت از اخلاق و معنویت زنان و مردان جامعه است. گرچه این آیه خطاب به مردان و ضمیر در «الهم» نیز جمع مذکر است، اما واضح است که این فلسفه در مورد زنان نیز جاری است.

روایات فراوانی نیز بر لزوم استفاده از پوشش مناسب برای زنان هنگام حضور در مجامع عمومی وجود دارد که با توجه به وجود آیات یاد شده، نیازی به بررسی آنها نیست. در اینجا، فقط برخی از آنها را از نظر می‌گذرانیم:

عایشه می‌گوید: اسماء دختر ابی بکر بر رسول خدا ﷺ با لباس نازک وارد شد. پیامبر روی خود را از وی برگرداند و به او فرمود: وقتی زن به سن بلوغ رسید مصلحت نیست اندامش دیده شود، مگر این و این، و با این سخن، به وجه و کفین خود اشاره کردند. (۳۵) و فرمودند: هر زنی که در غیر منزل شوهر یا بدون اجازه شوهر، پوشش خود را بردارد از رحمت الهی دور است تا به منزل برگردد. (۳۶) و فرمودند: هر زنی که مقنعه خود را در غیر خانه شوهر از سرش بردارد، حجاب را رعایت نکرده است. (۳۷)

جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: رسول خدا ﷺ به قصد دیدار فرزندش، حضرت فاطمه علیها السلام بیرون رفت، در حالی که من نیز با او بودم. وقتی به در منزل رسیدیم، رسول خدا ﷺ در را فشار داد و فرمود: السلام علیکم. حضرت فاطمه علیها السلام جواب فرمود: علیک السلام، یا رسول الله. در این هنگام، رسول خدا ﷺ فرمود: اجازه هست وارد شوم؟ پاسخ دادند: وارد شو، ای رسول خدا. حضرت فرمود: با همراه خود وارد شوم؟ حضرت فاطمه علیها السلام جواب دادند: مقنعه بر سر ندارم. رسول خدا ﷺ فرمودند: با مقداری از روپوش خود، سرت را ببوشان. حضرت فاطمه علیها السلام چنین کرد. پیامبر مجدداً اجازه گرفتند و وارد شدیم. (۳۸)

۲. پرهیز از تبرج

«تبرج» عبارت است از: نمایان کردن چیزی که لازم است مستور و مخفی باشد. این واژه از ریشه «برج» است. به ساختمان‌های بلند و مرتفع نیز بدین دلیل که برای مردم نمایان است، «برج» گفته می‌شود. به اظهار زیبایی‌های زن، که باید مستور باشد، «تبرج» می‌گویند. (۳۹) قرآن شریف در دو جا زنان را از خودنمایی و تبرج برحذر داشته است:

یکی در سوره احزاب، آیه ۳۳ خطاب به زنان پیامبر ﷺ فرموده است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾؛ و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید. این دستور گرچه در قرآن

شریف به لحاظ اهمیت و موقعیت ویژه‌ای که زنان پیامبر ﷺ در میان مردم داشتند، متوجه زنان رسول خدا ﷺ شده است، ولی دلیلی بر اختصاص آن به زنان پیامبر ﷺ نداریم و مورد آیه نمی‌تواند مخصص باشد.

دوم در آیه ۶۰ سوره نور در خصوص زنان سالمند گفته است: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾. این آیه، به زنان سالمند در کیفیت پوشش تخفیف داده است، مشروط به اینکه از این کار قصد تبرج و خودنمایی نداشته باشند. بنابراین، تبرج به طور مطلق، برای همه زنان، خواه زنان پیامبر باشند یا غیر آن و خواه جوان باشند یا مسن، ممنوع است و استثنایی ندارد.

این دستور بدان سبب است که زن ممکن است دستور پوشش را رعایت کند و با سرو کردن پوشیده در محل کار حاضر شود، در مجالس و محافل شرکت کند، به دانشگاه و مدرسه برود، اما با هیأتی که جلب توجه می‌کند، با پوششی که دیگران را مجذوب خود می‌سازد، با شکل و قیافه‌ای که نگاه‌ها را به خود خیره می‌کند و میل جنسی افراد را تحریک می‌نماید، در این صورت با اینکه زن پوشش دارد، ولی مشکلی که اینجا مطرح است، نوع پوشش و کیفیت آن است که هر چند بدن زن را از نامحرم پوشانده، اما هوس‌انگیز است، تحریک شهوت می‌کند. این کار خودنمایی و به نمایش گذاشتن زیبایی‌ها برای به طمع انداختن دیگران است که در فرهنگ قرآن بدان «تبرج» گفته شده است. دستور پوشش گرچه زنان را از بی‌حجابی منع می‌کند، اما برای منع تبرج و جلوگیری از خودنمایی کافی نیست. از این رو، دستور پوشش به مکتلی نیاز داشت که جلوی این‌گونه ظاهر شدن زنان را بگیرد. آیات یاد شده مکمل و متمم حکم پوشش است.

بنابراین، تمام زنان وظیفه دارند به هنگام خروج از خانه، از پوشش‌های هوس‌انگیز و حرکات جالب توجه و رفتارهای تحریک‌کننده پرهیز کنند. روایات فراوانی نیز زنان را از تبرج در مجامع عمومی نهی کرده است:

رسول گرامی ﷺ نهی فرمودند از اینکه زن برای غیر همسر خود آرایش کند و زنی را که مرتکب چنین عملی شود سزاوار عذاب و آتش دانستند. (۴۰) و نهی کردند از اینکه زن لباسی ببوشد که در میان مردم انگشت‌نما باشد و همه به او نگاه کنند. (۴۱)

عایشه می‌گوید: رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بود، زنی از قبیله «مزینه» در حالی که زینت کرده بود و لباس‌هایش را به زمین می‌کشید، با عجب و تکبر وارد مسجد شد. پیامبر ﷺ به مردم فرمودند: ای مردم! زنانان را از زینت کردن و تبرج در مسجد منع کنید؛ زیرا بنی اسرائیل بدین سبب مورد لعن واقع شدند که زنان آنان با زینت در مساجد حاضر می‌شدند. (۴۲)

زینت‌ها و هر آنچه سبب جلب توجه مردان شده و زمینه‌تحریر شهوت جنسی آنان را فراهم می‌سازد، کنار بگذارد. بنابراین، ظا کردن مقداری از موی جلوی سر یا رها کردن گیسوان از پشت د نمایان کردن آنها و ظاهر ساختن بالاتر از مچ به هیچ وجه د نیست.

۲. قانون پوشش و استفاده از آن، در بعد مادی، ضریب امتد اجتماعی زنان را افزایش داده، زمینه‌های سوء استفاده و آزار زنا کاهش می‌دهد و سبب می‌شود زنان با آرامش خاطر، به فعال اجتماعی بپردازند. در بعد معنوی نیز زمینه‌تطهارت باطنی پاکیزگی روانی آنان را بیشتر فراهم می‌سازد.

۳. آیات دال بر لزوم پوشش برای زنان، مطلق و برای ه زنان در تمام زمان‌هاست، نه ویژه قشری از زنان و محدود برهه‌ای از زمان.

۱- ﴿يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلاة من يوم الجمعة فاس إلى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون فإ قضيت الصلاة فانتشروا في الأرض وابتنوا من فضل الله (جمعه: ۱۰۰۹)﴾ و ﴿وآخرون يضربون في الأرض يبتغون من فضل الله﴾ (مزل: ۲۰)؛ ﴿للرجال نصب مما اكتسبوا وللنساء مما اكتسبن﴾ (نساء: ۳۲)؛ ﴿وابتغ في ما آتاك الله الد الاخرة ولا تنس نصيبك من الدنيا وأحسن كما أحسن الله إليك﴾ (قصص: ۷۷)

۲- ﴿و في الأرض آيات للموقنين وفي أنفسكم أفلا تبصرون﴾ (ذاریات: ۲۰ و ۲۱)

۳. مجلس فرانسه با ۴۹۴ رأی موافق، طرح دولت برای من استفاده از مظاهر مذهبی از جمله حجاب اسلامی، کلاه کوچک مخصوص یهودیان و انداختن صلیب بزرگ به گردن در مدارس دولتی این کشور را تأیید کرده است. (www.cnn)

۴. ﴿و جعل لكم سراييل نفيكم الحرز و سراييل نفيكم ياسكم﴾ (نحل: ۸۱)؛ و برای شما پیراهن‌هایی آفریده است که شما را گرما (و سرما) حفظ می‌کند، و پیراهن‌هایی که حافظ شما ب هنگام جنگ است. ﴿يا بني آدم قد انزلنا عليكم لباساً يوارو سرايتكم و ريشاً﴾ (اعراف: ۲۶) ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرو فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست.

۵. ر.ک. سيدمسعود معصومي، احكام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعي آنان، قم، بوستان كتاب، ص ۱۰۰-۹۹.

۶. ابن فارس، معجم مقاييس اللغة، لبنان، الدوطار الاسلاميه. ۱۴۱۰ / احمددين محمد فبومي، مصباح المعير في غريب شرح الكبير، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ / فضل بن حسن طبرسي، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج دوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ج ۶، ص ۲۲۳.

۷. محمددين يعقوب كليني، كافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۵۰ ش، ج ۵، ص ۵۲۱.

۸. عبدالله حميري، قرب الاسناد، تحقيق مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۳، ص ۸۲.

۹. محمدباقر مجلسي، بحار الانوار، بيروت، الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۲۳ / محمددين يعقوب كليني، پيشين، ج ۶، ص ۴۹۲.

۱۰. حسن بن فضل طبرسي، مكارم الاخلاق، ج ششم، منشورات شريف رضی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۰.

۱۱. علی بن ابراهيم، تفسير قمی، ج سوم، قم، دارالكتاب، ج ۲، ص ۱۰۱.

۱۲. «أن المراد من الزينة الواردة في الآية أعم من الزينة الخلقية، و

رسول خدا ﷺ دو گروه را اهل دوزخ دانست. در توصیف گروه دوم فرمود: زنانی که به ظاهر پوشیده‌اند، اما در واقع، برهنه و بی‌حجابند؛ با زرق و برق، خود را به مردم نشان می‌دهند و هوس‌های آنان را به سوی خود جذب می‌کنند، موهای سرشان همچون کوهان شتر عربی است. (۴۳)

این روایات گرچه از نظر سند، محل تأمل است و نمی‌توان به تنهایی به آنها استناد کرد، اما مضامین آنها موافق با آیات نبی از «تبرج» است و می‌توان به عنوان مؤید از آنها بهره جست.

بنابراین، جامعه با دو گروه از زنان مواجه است: نخست زنانی که به طور کلی، دستور پوشش را رعایت نمی‌کنند و یا سر و گردن باز در اجتماع ظاهر می‌شوند، و گروه دوم زنانی که از پوشش‌های تحریک‌آمیز استفاده می‌کنند. آنچه بیشتر جوامع اسلامی بدان مبتلاست بی‌حجابی و کنار گذاشتن پوشش نیست، بلکه تبرج و خودنمایی است؛ ظاهر شدن زنان با رنگ‌ها و شکل‌های جذاب؛ پوشیدن انواع لباس‌های تحریک‌کننده و هوس‌انگیز، لباس‌های تنگ و چسبان که برجستگی‌های بدن را به طور کامل با جلوه‌ای زیباتر به بیننده نشان می‌دهد، پوشیدن انواع کفش‌ها و جوراب‌های مهیج و زدن عینک‌های زیباکننده. این همان «تبرج» و خودنمایی است که قرآن آن را ممنوع کرده.



نتیجه

۱. از آیات و روایات به دست می‌آید که اسلام میان دو حوزه خانه و بیرون، تفاوت قایل است. دین برای زن در هر یک از این دو حوزه، دستورات ویژه‌ای وضع کرده است. زن در حوزه رحامت و خویشان طبقه اول، مثل پسر، پدر، برادر، دایی و عمو، موظف به نوع خاصی از پوشش نیست. اما در خارج از این حوزه، یعنی در عرصه اجتماعی، باید تمام بدن خود را از دیگران بپوشاند، جذابیت‌ها،

۸۲

۹۴۷

حيث إنه عد منها الذراعان والكفان، فهي بلا إشكال تعم الشعر والتندي والرقية والساق والفخذ والالتئين والظهر والبطن، فان تزني المرأة خلقة بكل منها ليس أقل من تزنيها بالذراعين والكفين، كما لا يخفى. فالآية أحسن دليل على وجوب تستر المرأة وحرمة كشفها عن أي موضع من جسدها» (رك. محمد مؤمن قمی، کتاب الصلاة (تفريبات درس آية الله محمد محقق داماد)، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۰۵، ص ۳۵۲).

۱۳-... عن زرارة، عن أبي عبدالله - عليه السلام - في قول الله - تبارك وتعالى: ﴿إِذَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾، قال: «الزينة الظاهرة الكحل والخاتم» عن أبي بصير، عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: سأله عن قول الله - تعالى: ﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ قال: «الخاتم والمسكة وهي القلب» عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: قلت له: ما يحل للرجل أن يرى من المرأة إذا لم يكن محرماً؟ قال: «الوجه والكفان والقدمان» (محمد بن يعقوب كليني، پیشین، ج ۵، ص ۵۲۱).

۱۴- «و قد استثنى الله - سبحانه - منها ما ظهر، و قد وردت الرواية أن المراد بما ظهر منها الوجه والكفان والقدمان» (سيد محمد حسين طباطبائي، تفسير الميزان، قم، جامعه مدرسين، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

۱۵- «قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ذلك اذكى لهم ان الله خبير بما يصنعون» (نور: ۳۰)؛ به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را از نگاه کردن به نامحرمان فروگیرند و پاک‌دامنی و عفت خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهند آگاه است. سپس همین دستور را نسبت به زنان سفارش فرموده است: ﴿و قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾ (نور: ۳۱)

۱۶- رک. ابوالقاسم خوئی، کتاب النکاح، ق، الهادی، ج ۱، ص ۵۶.

۱۷- فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۷، ص ۲۴۲ / سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۱۰ / محمد بن احمد القرطبي، الجامع الاحكام القرآن، بيروت، داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

۱۸- رک. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ / سعید شرتونی، اقرب الموارد، قم، منشورات مکتبه آية الله مرعشي نجفی، ۱۴۰۳.

۱۹- سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۲۰- محمد بن احمد القرطبي، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۲۸.

۲۱- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۱۴.

۲۲- فخرالدين طريحي، تفسير غرائب القرآن، قم، زاهدی، ص ۹۱ / فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۸، ص ۱۷۸ / سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۹ / جلال الدين سيوطي و جلال الدين محلي، تفسير الجلالين، بيروت، دارالمعرفه، ص ۵۵۹.

۲۳- سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۲۹.

۲۴- مولي محسن فيض كاشاني، الاصفى في تفسير القرآن، قم، دفتر تبليغات اسلامي، ج ۲، ص ۱۰۰۲ / فخرالدين طريحي، پیشین، ص ۲۷ / سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

۲۵- سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۹.

۲۶- فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۸ / مولي محسن فيض كاشاني، تفسير صافي، تحقيق حسين اعلمی، ج دوم، قم، الهادی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲۷- در شأن نزول آیه آمده است: آن ایام، زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر ﷺ نماز می‌گزاردند. هنگام شب وقتی برای نماز مغرب و عشا می‌رفتند، بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیه مزبور نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به

خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند. (ابن جریر طبری، جامع البیان عن تأویل ای القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۸ / عبدعلی جمعه عروسی حویزی، نورالقلین، تحقیق رسولی محلاتی، ج چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۰۷ / مولي محسن فيض كاشاني، تفسير صافي، ج ۴، ص ۲۰۳ / محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۱۰۱، ص ۳۳).

۲۸- رک. شأن نزول آیه.

۲۹- رک. سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۷.

۳۰- محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبيب قصير العاملي، مکتب الاعلام الاسلامي، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۵۷ / فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۸، ص ۱۷۷ / احمد بن علی جصاص، أحكام القرآن، بیروت، دارالکتب العربي، ج ۳، ص ۲۸۳ / محمد راغب اصفهانی، المسفردات فی غريب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴، ص ۲۱۱ / محمد بن احمد القرطبي، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۸ / محمد بن علی شوکانی، فتح القدير، عالم الكتاب، ج ۴، ص ۲۹۸.

۳۱- محمود آلوسی، روح المعانی، تهران، جهان، ج ۱۸، ص ۱۲۸.

۳۲- جلال الدين سيوطي، الدر المنثور فی تفسير المأثور، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۴۰ / محمد بن علی شوکانی، پیشین، ج ۴، ص ۲۲ / محمد بن احمد القرطبي، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۲۶ / علی محمد الجزوی القرشي، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق محمد بن عبدالرحمان عبدالله، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۵۵.

۳۳- سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۱۱.

۳۴- محقق أردبیلی، زیادة البیان فی احکام القرآن، تحقیق محمدباقر بهبودی، مکتبه المرتضويه لاحیاء التراث الجعفریه، ص ۵۴۲ / مولي محسن فيض كاشاني، تفسير صافي، ج ۳، ص ۲۲۹ / محمود الوسی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۲۸ / محمد بن علی شوکانی، پیشین، ج ۴، ص ۲۲ / ابن کثیر القرشي، تفسير القرآن العظيم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۹۳ / محمد بن احمد القرطبي، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۲۶.

۳۵- سیلیمان بن أشعث سجستانی، سنن أبی داود، تحقیق سيد محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳۶- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق سيد حسن خراسانی، ج ششم، بیروت، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۴۴۰.

۳۷- محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۳۸- محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۵، ص ۵۲۸.

۳۹- فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۷، ص ۲۶۹ / فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۶۳۳ / سيد محمد حسين طباطبائي، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۰۹ / ابی جعفر النحاس، معانی القرآن، تحقیق محمدعلی صابونی، جامعه ام القرى، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۲۷ / محمد بن علی شوکانی، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۸.

۴۰- شیخ صدوق، الامالی، ترجمه آية الله كمره‌ای، ج چهارم، تهران، انتشارات كتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲، ص ۵۱۰ / همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶.

۴۱- محدث نوری، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۸۰.

۴۲- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دارالفکر، ج ۲، ص ۱۳۲۶ / سيد عبدالوهاب شعرائی، لوائح الانوار القدسين فی بیان العهود المحمديه، ج دوم، مصطفی البابی الحلبي و اولاده، ۱۳۹۳، ص ۷۶۰ / حسام الدين متقی الهندی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیانی و شیخ صفه السقا، بیروت، مؤسسه رساله، ج ۱۶، ص ۳۸۷ / محمد عبدالرؤوف المسناوی، فیض القدير شرح الجامع الصغير، تحقیق احمد عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۵۳ / يوسف المزی، تهذيب الكمال، تحقیق دکتر بشار عواد معروف، ج چهارم، بیروت، مؤسسه رساله، ج ۸، ص ۴۵۰.

۴۳- احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دار صادر، ج ۲، ص ۳۵۶ / شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰.